

جهانی بودن آئین زرتشتی و پذیرش

موبد کامران جمشیدی

«آئین ما آئینی است جهانی و هر کس که بر پایه ی دانش و خرد و با مهر و دلبستگی بپذیرد که زرتشتی باشد و آنرا با اندیشه و گفتار و کردار نشان دهد، او زرتشتی است و نخستین و واپسین کسی که می تواند این را به او بدهد یا از او بگیرد خود اوست»

یکی از مهمترین پرسش هایی که، که ما چه خواهیم و چه نخواهیم بر امروز و آینده ی ما و جامعه ی زرتشتی و در اندازه ای بزرگتر بر ایرانی و حتا در جهان تاثیرات خودش را داشته، دارد و خواهد داشت، پرسش باز یا بسته بودن جامعه ی ما یا به زبانی دیگر پذیرش دیگران در درون دین و جامعه ی زرتشتی و یا جهانی بودن یا نبودن دین ماست.

بگذارید از همین آغاز این را از همی شما همکیشان بپرسم که آیا هنوز در اندیشه و باور هیچکدام از شما این باور وجود دارد که کسی که "زرتشتی زاده" نیست نمی تواند "زرتشتی شود" باشد؟ اگر که چنین باشد، برآستی باید گفت که دارنده ی چنین باوری از دین و آیین و تاریخ خود آگاه نیست که اگر بود می دانست که ما به هر سو در درون بنگریم نه تنها هیچ دلیل و مدرکی که نشان دهنده ی درستی این باور و داوری باشد نمی یابیم بلکه همه چیز نشان از وارون آن دارد که همانا در همه جای دین و آیین و تاریخ سپارش و گوشزد شده که باید هر کس تا بدانجا که تاب و توان دارد دیگران را به راه راستی و دین بهی رهنمایی کند و اگر نیز کس و کسانی از این بابت، یعنی به دین آمدن دشواری می بینند باید بدانان یاری رساند. می گوئید چنین نیست پس چرا چنین گونه هایی را شاهد هستیم:

« بهترین سخنان را به گوش بشنوید و با اندیشه ی روشن بنگرید. سپس هر کدام از شما برای خود بهترین راه را برگزینید ...»

اهنود گات- یسنای 30- بند 2

کسی که در برابر دروغ پرست با زبان یا اندیشه اقدامی کند و یا یکی از پیروان او را بدین بهی درآورد، چنین کسی خشنودی اهورامزدا را فراهم می آورد.

اهنود گات- یسنای 33- بند 2

اگر دانایی (کسی که پیرو راستی و فرمانبردار آیین است) موفق شود که دروغ پرستی را به دین درآورد چنین کسی باید پس از حصول اطمینان به یکی از بزرگان دین خبر دهد تا او را از آزار دیگران حفظ بدارد.

اشتودگات - یسنای 46 - بند 5

از آیه های بالا چنین نتیجه می گیریم که اشوزرتشت برای گسترش دین فشار و زور روانی دارد و پذیرش آنرا برای هر فرد آزاد گذاشته است ولی در عین حال برای تبلیغ و شناساندن دین و پذیرفتن جدیدینان دستوراتی داده است و بهیچوجه آنرا بقوم آریایی و یا طبقه خاصی اویژگی نداده است و حتی از یسنای 46 و بند 12 معلوم میشود که در زمان خود اشو زرتشت ترویج و اشاعه مذهب تا خاک نوران نیز گسترش یافته زیرا در این بند گاتها از فریان Faryana یکی از

امرای تورانی که از مزدا جانبداری می‌کند به نیکی یاد شده است.¹

به غیر از گاتها در کتابهای دیگر مزدیسنی نیز درباره پذیرش سفارش شده است. شما می‌توانید به عنوان نمونه به هوم یشت بند 24، به کتاب نهم دینکرد بند 4 و بند 24 و به فصل 42 کتاب دادستان دینی مراجعه نمایید، بعلاوه در ائریپتستان کتاب اول فصل پنجم فقرات 4 و 5 وارد است که " اگر از جددینان کسی به مذهب زرتشت درآید تمام اولاد او نیز با خود او به دین جدید می‌گروند ولی جایز نیست زنش را به اجبار به پذیرفتن دین وادار ساخت...." و در فصل چهارم فقره 16 همان کتاب (کتاب اول ائریپتستان²) نوشته شده است که " اگر زرخریدی کیش مزدیسنی قبول کند او دیگر بنده و زرخرید نیست و ارزش او باید پرداخت شده آزاد گردد."

با مطالعه ی مندرجات کتاب دینی معلوم می‌شود که امر ترویج و تبلیغ مذهب کاری شایسته است و اگر بسایر ادیان نیز نظر افکنیم می‌بینیم که پیروان همه مذاهب در ترویج دین خود نهایت کوشش را دارند. ما زرتشتیان نیز اگر ایمان داریم که دینمان یکی از مذاهب زنده و بزرگ دنیاست و برای تمام مردم جهان سودمند می‌باشد بایستی در امر تبلیغ کوشا باشیم، اشخاصی را که مایل بقبول دین زرتشتی هستند بپذیریم و در حقیقت ره چنان رویم که رهروان رفته اند.

با درود از سوی کنکاش موبدان تهران
اردشیر آذرگشسب «

پاره ی بالا برداشت شده است از نامه ای که انجمن موبدان تهران در پاسخ به نامه ای که در مورد سدره پوشی آقای **Joseph Peterson** و مخالفتی که برخی از موبدان پارسی با آن کرده بودند شده بود، نوشته اند، که سندی است بسیار جالب

و معتبر و تاریخی و در زمانی نیز نوشته شده است که تمامی بزرگان دین ما در یک نسل پیش یعنی موبدان بزرگ فیروز و اردشیر آذرگشسب (که نام او در پایین این نامه است)، رستم شهزادی و دیگران در کنکاش موبدان تهران بودند و چه کسی بهتر و داناتر از این زنده یادان که به ما بگویند که دین ما در این مورد چه دیدگاهی داشته و دارد.

بنابراین اجازه بدهید به عنوان یکی دیگر از هموندان این جامعه که پشت اندر پشت زرتشتی بوده و تا دستکم 12 پشت من دارای مقام موبد بزرگی و راهنمایان دین در جامعه بوده اند و خود من نیز به آن سرافرازم با استواری و بی تردیدی تمام بگویم که:

« دین زرتشت یا دین بهی دینی است جهانی و برای تمامی انسانهاست و این خویشکاری یا وظیفه ی ما به عنوان زرتشتی است که برای نشان دادن راستی ها و سرافرازی های دین خود بدیگران کوشا باشیم و اگر کسانی خواستند این آموزش ها را سرمشق زندگی خود قرار دهند آنان را با آغوش باز بپذیریم. »

هر پرسش دیگری که در این راستا باشد و یا شرایط روز و زمان نیز تا هر اندازه که این آزادی گزینش را در تنگنا گذاشته باشند باز هم بنیان ها را نمی توان کنار گذاشت و نادیده گرفت. اکنون می مانیم ما و شرایط روز که با خردمندی و هم رایی و هم اندیشی، و باز تکرار می کنم زیر پا نگذاشتن بنیان ها، راه کارهای خردمندانه و کار آ برای پیشبرد این کار فراهم آوریم.

در اینجا بی تردید در اندیشه ی برخی این پرسش تکرار میشود که چرا تا زمانی که ما خود در درون جامعه مشکل داریم باید دیگران را به درون بپذیریم و ...

پاسخ به این پرسش نه در نفی کردن بنیان هاست بلکه در ناتوانی خود ما در حل مشکلات است که باید خود را آزموده تر کنیم و همزوری را گسترش دهیم، از دشواری ها نهراسیم و

این دانش را فرو نگذاریم که دین ما دین دانش و خردمندی و راستی و درستی و ... است و اگر بر راستی دل و اندیشه ی خود را به آن بدهیم دیگر ناتوان خواهیم بود و امید به امروز و فردای بهتر و شادی و خوشبختی برای همگان در دسترس خواهد بود. ما هر گاه که بزرگ بیندیشیم، آنزمان بزرگ نیز خواهیم

بود و بزرگتر نیز خواهیم شد و در این راه بزرگ همه همکار و همیار خواهیم بود.

اکنون بیاییم و به یک پدیده ی دیگر نگاهی بیندازیم، به واژه ی "زرتشتی زاده". یک زرتشتی زاده کیست؟ آیا کسی است که از پدر و مادری زرتشتی زاده شده باشد و یا اگر پدر و مادر بزرگ او زرتشتی بوده باشند باز هم می توان او را زرتشتی زاده به شمار آورد؟ آیا تا چند پشت می توان این پدیده را به پس برد؟ آیا ایرانیانی که چند پشت در پستان زرتشتی بوده و سپس به هر سببی از دین بیرون رفته اند اما امروز می خواهند به دین نیاکانی خود بازگردند را می توان زرتشتی زاده به شمار آورد؟ پاسخ را به خرد و داوری خودتان وامی گذارم اما دوباره می گویم که دیدگاه در این مورد هر چه باشد در بنیانی که در بالاتر بیان شد اثری ندارد.

بنابراین بیاییم و یکبار برای همیشه این اندیشه را از سر بیرون کنیم و بپذیریم که بر پایه ی دین و آیین و تاریخ و نیاکان و راهنمایان دینی از دیروز تا امروز، دین ما دینی جهانی است و هر آنکس که بر پایه ی دانش و خرد خود و با مهر و دلبستگی بپذیرد که زرتشتی باشد و بیندیشد و بگفتارد و بکردارد او زرتشتی است و نخستین و واپسین کسی که می تواند این را به او بدهد یا از او بگیرد خود اوست!!

سخن تنها در جایی است که این دلبستگان به راه و آیین زرتشت می خواهند که با همکیشان و هم اندیشان خود در یک

زندگی اجتماعی مشارکت کرده و در سرنوشت آنان شریک گردند. اینجاست که سخن از قراردادهای اجتماعی/دینی به میان می آید، مانند "سدره پوش" شدن، برای بیان این گزینش به دیگران و پیمان بستن برای رهروی در راه اشاء، و از سوی دیگر دلبستگی نشان دادن به آیین ها و تباددها و راه و روش زندگی در میان آن گروهی که می خواهند با آن یگانه شوند.

چه بسا هستند کسانی که با پذیرش دین از یکسو و هماهنگی و هم‌رنگی نشان دادن با جامعه به سادگی و با لبخند به پذیرش رسیده اند و یا کسانی که نتوانسته اند آنگونه که باید و شاید به این نزدیکی دست یابند که آنهم با گذشت زمان دگرگون خواهد شد.

ای مزدا، زمانی که تو در آغاز با اندیشه خویش تن و خرد
و وجدان برای ما آفریدی و جان به تن ما دمیدی
و ما را به گفتار و کردار توانائی دادی، خواستی که ما
باور و
آئین خود را با آگاهی و به دخواه خود برگزینیم.

گاتها - سروده چهارم، یسنای 31 بند 11

¹- پس از آرام شدن کشور توران بدست اسفندیار موبدان و یاوران کیش زرتشتی برای گسترش و آموزش دین به شهرهای ترکستان چین روانه می شوند و زرتشت درباره آنان می فرماید: **تو این فرشوستر که با پارسایان دیگر به آنسوی کشور برای گسترش آیین روانه هستی، امیدوارم کامیاب گردی.**» موبد رستم شهزادی، نسک دین دانش، رویه 41

²- ائریستان یا هیریدستان نسکی است کهن که به همراه نیرنگستان برگزاری نمازها و دیگر آیین های دینی سخن می گوید. نوشته های این دو نسک در نابسامانی ها زیان های فراوان دیده و کمی از آنها به دست ما رسیده است.